

تفاوت‌های زن و مرد نقش و کارکرد آن

علی حسینزاده*

چکیده

مسئله‌ای که در این پژوهش با آن روبه‌رو هستیم، شناخت تفاوت‌های زن و مرد، نقش و کارکرد تفاوت‌هاست. هدف این است که با شناسایی دقیق تفاوت این دو جنس در ابعاد مختلف، به زمینه و بسترهای لازم برای یک زندگی آرام و با نشاط در ارتباط زن و مرد دست یابیم. روش تحقیق این مقاله توصیفی - تحلیلی است که بر اساس مطالعه تفاوت‌ها در منابع علمی و دینی داده‌ها شکل گرفته است. آثار و کارکردها بر تحقیقات دینی و روان‌شناختی مبتنی است و یافته‌های مهم در این تحقیق، درک تفاوت‌ها در ابعاد فیزیکی، طبیعی جنسی، عاطفی و فکری است. این مهم به ما کمک می‌کند تا با استفاده از عشق و محبت، شادی و نشاط، تعادل و قضاوت عادلانه، زندگی سالم، برخوردار از مسئولیت‌پذیری و معنویت داشته باشیم.

کلیدواژه‌ها: زن، مرد، تفاوت جنسی، تفاوت عاطفی، تفاوت شناختی.

مقدمه

یکی از عوامل مؤثر بر سازگاری و آرامش در زندگی، توجه به تفاوت میان زن و مرد در ابعاد مختلف است. مطالعه جنسیت و تفاوت‌های این دو جنس همواره مورد توجه و علاقه پژوهشگران بوده است.^(۱)

از زمان افلاطون و شاید پیش از آن (البته به صورت غیرمنسجم و تدوین نشده) مباحثی پیرامون شخصیت و تفاوت زنان از مردان مطرح بوده است. افلاطون زنان و مردان را از نظر کیفی مشابه یکدیگر می‌داند. او می‌گوید: زن و مرد از نظر استعداد مشابه یکدیگرند و زنان نیز می‌توانند همان وظایف و مسئولیت‌هایی را عهده‌دار شوند که مردان عهده‌دار آن هستند و متقابلاً از همان حقوقی برخوردار شوند که مردان برخوردار هستند. مردان تعلیمات جنگی می‌بینند، زنان نیز باید آموزش نظامی ببینند؛ مردان در مسابقات ورزشی شرکت می‌کنند، زنان نیز باید شرکت کنند.^(۲) البته او زنان را از بعد کمی در همه زمینه‌ها متفاوت می‌بیند و می‌گوید: زنان در هر رشته‌ای از رشته‌ها از مردان ناتوان‌ترند.

در مقابل، ارسطو معتقد است: تفاوت زن و مرد به مسائل کمی اختصاص ندارد، بلکه آنها از نظر کیفی نیز متفاوت هستند. آنها حتی از لحاظ فضایل اخلاقی نیز در بسیاری از موارد با مردان متفاوت هستند. او بر این باور است که بعضی از خصلت‌ها می‌تواند برای مرد فضیلت به حساب آید، در حالی که برای زن فضیلت محسوب نشود. پس از ارسطو نیز دانشمندانی نظریه ارسطو را بر نظریه افلاطون ترجیح دادند.^(۳)

دیدگاه ارسطو در میان اندیشمندانی همچون بیکن، دکارت، لاک، نیچه، روسو و... تا دهه ۱۹۷۰ مورد توجه بود و از آن دهه به بعد عده‌ای با عنوان «نهضت اجتماعی زنان» به شکلی منسجم و برنامه‌ریزی شده به مخالفت با

تفکر ارسطو پرداختند و به گونه‌ای به دیدگاه افلاطون بازگشتند.^(۴)

سؤال اصلی پژوهش این است: آیا میان زن و مرد تفاوت چشمگیری وجود دارد؟

سؤال‌های فرعی نیز عبارتند از: ابعاد تفاوت زن و مرد کدام است؟ تفاوت‌ها در نقش زن و مرد چه تأثیری می‌گذارد؟ کارکرد این تفاوت‌ها چیست؟

با توجه به این سؤالات، اهمیت مسئله روشن می‌شود؛ چراکه همه اعضا در خانواده به دنبال شناسایی نقش خود و کارکرد مورد انتظار افراد از یکدیگرند. آرامش افراد در سایه ایفای نقش و دستیابی به کارکردهاست.

در زمینه تفاوت‌های زن و مرد، پژوهش‌هایی صورت گرفته است: از جمله آنها تفاوت زن و مرد در دین و قصاص، تألیف ابراهیم شفیع‌سروستانی که به بحث‌های فقهی دیات، قصاص و حقوق جزا پرداخته است. پژوهشی با عنوان *الرجل و المرأة فی الاسلام* نوشته محمد وصفی به تفاوت‌های فردی زن و مرد پرداخته است. کتاب *بررسی تمایزهای فقهی زن و مرد* نوشته محسن جهانگیری به تفاوت‌های فقهی و حقوقی پرداخته است. کتاب *تفاوت‌های جنسی زن و مرد از جین ریدلی*، ترجمه بهزاد رحمتی به تفاوت‌های جنسی و فردی زن و مرد پرداخته است. مقاله‌ای نیز با عنوان «تفاوت زن و مرد از منظر روان‌شناسی و متون دینی»^(۵) نگاشته شده است که توجه هریک از دین و علم را به تفاوت‌های خاصی برجسته کرده است. آنچه این پژوهش را متمایز می‌سازد، بررسی کارکردهای آگاهی از تفاوت‌های زن و مرد است که به این عنوان پژوهشی یافت نشد.

تفاوت‌های زن و مرد از دیدگاه دین

در دین مبین اسلام تفاوت‌هایی میان زنان و مردان در شاخص فضیلت‌ها وجود دارد. برای مثال، بعضی از خصلت‌ها در میان مردان بدترین و در میان زنان بهترین خصلت است. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «بهترین خصلت‌های زنان که بدترین خصلت‌های مردان است، عبارتند از: تکبر، ترس و بخل»^(۶)

زن و مرد در اصل ذات و گوهر انسانی خویش دارای هویتی مشترک هستند، اما از نظر روانی، جسمی و جنسی با یکدیگر تفاوت‌های بسیاری دارند. در مواجهه با زن نیز مرد باید تکریم متناسب با روحیات او را در نظر بگیرد و آن را به جا آورد. امام باقر علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «هر کس همسری برمی‌گزیند باید او را تکریم کند. همانا زنان شما طناز و دلربا هستند. هرکس با آنها ازدواج کرد نباید آنان را ضایع کند»^(۷) این روایت از ویژگی‌هایی سخن می‌گوید که به زنان اختصاص دارد. طنازی و دلربایی از خصوصیات زنان است. آگاهی مردان از این ویژگی، به آنان کمک می‌کند تا تفاوت میان مردان و زنان را بهتر بشناسند و رفتار زنان را بهتر تحلیل کنند.^(۸)

مسئله تفاوت میان دو جنس نه تنها در میان دانشمندان دینی، بلکه در میان سایر اندیشمندان نیز مورد توجه است. الکسیس کارل می‌گوید: اختلاف زن و مرد تنها به شکل ظاهر آنها نیست، بلکه تفاوت عمیق‌تر از آن است. این تفاوت، از تأثیر مواد ترشح‌شده از غدد تناسلی در خون ناشی می‌شود، به گونه‌ای که تک‌تک سلول‌های بدن، به ویژه سلول‌های دستگاه عصبی زن و مرد، نشانه جنسی بر روی خود دارند.^(۹)

بنابراین، در اصل تفاوت میان زن و مرد جای شکی وجود ندارد. با پذیرفتن تفاوت میان زن و مرد، سخن از ابعاد آن ضرورت پیدا می‌کند و باید به ابعاد تفاوت میان آنها پرداخت. در ذیل، به انواع این تفاوت‌ها اشاره می‌شود:

۱. تفاوت‌های فیزیکی

مردها از لحاظ نیرو، قوی‌تر از زن‌ها هستند. محققان می‌گویند: هورمون ویژه جنسی مرد (تستسترون) اثر فراوانی در تولید پروتئین در بدن دارد و رشد بافت‌های عضلانی را تحریک می‌کند. از این رو، مردان برای انجام کارهای سنگین توانایی بیشتری دارند، ولی با اینکه توانایی جسمی بیشتری دارند، آسیب‌پذیری روحی آنان نیز بیشتر است.^(۱۰) درباره برتری زنان در صبر و تحمل، روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که می‌فرماید: «خداوند برای زن صبر ده مرد را قرار داده است»^(۱۱)

همچنین مردها از تارهای صوتی کلفت و ضخیم برخوردارند و دارای صدایی خشن هستند. به عبارت دیگر، مردها از سه سطح زیر و بم آهنگ برخوردارند، در حالی که زنان دارای چهار سطح زیر و بم آهنگ هستند.^(۱۲) به همین دلیل، زنان نازک‌تر و لطیف‌تر از مردان سخن می‌گویند و دارای کشش خاصی هستند. حضرت آدم علیه السلام پس از مشاهده حوا و شنیدن صدای نازک و ظریف او گفت: «چه خلقت زیبایی داری!»^(۱۳)

بنابراین، انتظار کارهای سنگین از مردان، و لطافت و طنازی از زنان مناسب با طبیعت آنهاست و تأمین نیازهای زندگی به تناسب هر جنس، زمینه سازگاری میان آنان را فراهم می‌آورد، همان‌گونه که انتظار انجام کارهای سنگین توسط زنان و خشونت و درشتی در صدای آنان، زمینه سازگاری میان همسران را فراهم می‌سازد.

۲. تفاوت جنسی

انسان دارای ۲۳ جفت کروموزوم است که بر روی آنها ذرات ریزی به نام «ژن» وجود دارد. ژن‌ها حامل صفاتی از والدین به جنین هستند. از میان این کروموزوم‌ها، یک جفت کروموزوم جنسی وجود دارد که در خانم‌ها به

جمله هیچ‌گاه اثر بدی ندارد. زمانی که مرد این جمله را به زبان می‌آورد، مثل این است که به همسرش امکان می‌دهد فرایند دوست داشتن را احساس کند.^(۱۵)

توجه به تفاوت‌های زن و مرد و نیازمندی جنسی آنان، نقش مؤثری در رضایت‌مندی آنان در زندگی زناشویی دارد. مردان زمینه‌های مناسبی برای ارضای زودرس دارند، در حالی که زن‌ها به مقدماتی نیازمندند که مردان باید آنها را تأمین کنند. به همین دلیل، در روایات ما ارتباط جنسی مرد با زن پیش از ملاعبه با او، جفا محسوب شده است.^(۱۶)

بعضی از مردان در برقراری رابطه جنسی برای رسیدن به ارضای خویش، نوازش زن را متوقف می‌کنند و به تأمین جنسی خود می‌پردازند، در حالی که زن به ادامه نوازش علاقه‌مند است. از بُعد زمانی، مردها دو یا سه دقیقه وقت لازم دارند تا در مرز نهایی رابطه جنسی قرار گیرند، در حالی که آمار نشان می‌دهد میانگین مدت آمادگی برای زنان ۱۸ دقیقه است؛ یعنی زنان شش برابر مردان به زمان نیاز دارند.^(۱۷)

اسلام با در نظر گرفتن تفاوت زن و مرد در بُعد جنسی، از یک‌سو مردان را به تأمین مقدمات سفارش کرده است تا خواسته زن تأمین شود و از سوی دیگر، تأمین نیاز جنسی مرد را در هر فرصتی که دلخواه اوست، از وظایف زن شمرده و فرموده است: «از وظایف زن این است که به خواسته مرد پاسخ مثبت دهد حتی اگر بر پشت شتر سوار باشد.^(۱۸) این نیاز فوری مرد است که ممکن است روزی بر عکس شود و نیاز فوری زن قرار گیرد. همان‌گونه که بعضی گفته‌اند: در سال‌های نخست زندگی مردها برای مقاربت رغبت بیشتری نشان می‌دهند و در سال‌های بعد، زنان ممکن است به مقاربت تمایل بیشتری داشته باشند. به هر حال، در همه مراحل باید نیاز جنسی را به سرعت پاسخ داد و این زمینه خوبی برای سازگاری است.

صورت XX و در آقایان به صورت XY است. اگر در ترکیب آنها یک کروموزوم X از ناحیه زن و یک کروموزوم Y از ناحیه مرد وجود داشته باشد، فرزندی که به دنیا بیاید پسر خواهد بود و چنانچه هر دو کروموزوم‌ها X باشد، فرزند دختر خواهد بود. بنابراین، جنسیت فرزند را نوع ترکیب کروموزوم مرد مشخص می‌کند. این سخن را در زمینه سازگاری همسران، به این خاطر مطرح کردیم که بدانید گرچه مردان اکنون کمتر به دلیل دختر شدن فرزند، به ناسازگاری با زنان رو می‌آورند، اما در زمان‌های گذشته مادرانی به دلیل اینکه دختر به دنیا می‌آوردند، مورد بی‌مهری مردان قرار می‌گرفتند. آگاهی از بی‌تقصیری مادر در تعیین جنسیت فرزند و غیراختیاری بودن ترکیب کروموزوم‌ها از ناحیه پدر، راه را برای ناسازگاری میان همسران از این زاویه می‌بندد.

از سوی دیگر، نیاز جنسی زنان و مردان متفاوت است. گرچه زن و مرد در روابط جنسی خود به اطمینان و تضمینی نیازمندند، اما نحوه نیازمندی و ارضای آن در زن و مرد متفاوت است. مردان با برقراری رابطه جنسی مطمئن می‌شوند که شایستگی لازم را داشته و توانسته‌اند رابطه زناشویی را به نحوی مؤثر برقرار کنند، اما زنان به مهر و محبت و توجه از سوی همسرشان نیازمندند. مردان باید با ابراز محبت و عشق و به کارگیری جملات عاطفی، این نیاز را برآورده سازند و بدانند که تنها دوست داشتن کافی نیست، بلکه باید آن را ابراز کنند. این نیاز روانی همسر است. در این زمینه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مردی که به همسرش می‌گوید: دوستت دارم، بدانید این سخن هرگز از قلب همسرش خارج نمی‌شود.»^(۱۴)

جان‌گری می‌گوید: بیشتر مردان از گفتن جمله «من دوستت دارم» به همسرشان اکراه دارند؛ آنها فکر می‌کنند تکرار این جمله همسرشان را خسته می‌کند، اما گفتن این

۳. تفاوت عاطفی

زن و مرد هر دو نسبت به دیگران از عواطف برخوردارند. هم می‌خواهند دیگران را دوست بدارند و هم می‌خواهند دیگران آنان را دوست بدارند، اما ابراز و ظهور عاطفه در زنان و مردان متفاوت است. خانم‌ها حتی اگر کسی را کمی هم دوست داشته باشند، چنان نشان می‌دهند که او را بسیار دوست دارند. در حالی که مردها کسی را که بسیار دوست دارند، چنان نشان می‌دهند که مقداری او را دوست دارند. نمایش محبت آنان متفاوت است.

جینا لمبروزو می‌گوید: زنان دیگرخواه هستند و وقتی تصور می‌کنند زحمتی که آنها می‌کشند باعث راحتی دیگران می‌شود و آنان را خرسند می‌کند، به هر رنجی تن می‌دهند. (۱۹)

حضرت علی علیه السلام در زمینه تفاوت میان زنان و مردان می‌فرماید: «کاری که به زن واگذار می‌کنی، نباید از حیطة مناسبات او بیرون باشد؛ چراکه او گل خوش‌بویی است و به عنوان متصدی دخل و خرج نباید به کارهای خشن رویاورد.» (۲۰) از آن‌رو که زنان به ابراز حالت عاطفی به شدت توجه دارند، به گفت‌وگو نیازمند هستند؛ چون زبان، یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال عواطف است. این مسئله به قدری مهم است که بعضی گفته‌اند: زن فقط به گفت‌وگو نیاز دارد و به نتیجه نمی‌اندیشد، در حالی که مرد توقع دارد گفت‌وگو مشکلی را حل کند. (۲۱)

منشأ رفتارهای زن احساس و عاطفه است و تحمل مسئولیت‌های سنگین و طاقت‌فرسا آثار روانی نامطلوبی بر او می‌گذارد. زنان در یک زمان حواس خود را به چند موضوع معطوف می‌کنند. به همین دلیل، توانایی خود را در تعیین اولویت امور به سرعت از دست می‌دهند؛ چراکه تمرکز ندارند و زودتر آشفته می‌شوند. زن‌ها به سرعت افسرده می‌شوند و گریه می‌کنند، اما مردها به ندرت

افسردگی خود را نشان می‌دهند. به همین دلیل، سطح کیفی نمایش افسردگی از سوی زن‌ها خیلی عمیق نیست. مردها گرچه دیرتر دچار افسردگی می‌شوند، اما اگر افسرده شوند تا مرز خودکشی پیش می‌روند. (۲۲)

نمایش عاطفه در زن قوی‌تر است. از سوی دیگر، تمرکز در مردها قوی‌تر است. درک و پذیرش این تفاوت‌ها از بروز ناراحتی‌های احتمالی در خانواده جلوگیری می‌کند. زن‌ها باید بدانند تمرکز مرد هرگز مقیاس و میزانی برای اندازه عشق و علاقه او به همسر نیست. طبیعی است وقتی مرد با مشکلی در زندگی مواجه می‌شود، حالت تمرکز به خود می‌گیرد، گویا هیچ مسئله دیگری در زندگی وجود ندارد و او در قبال دیگران هیچ مسئولیتی ندارد. زن نباید این حالت را به بی‌توجهی تفسیر کند و فکر کند که او از روی عمد به همسرش بی‌محرمانگی می‌کند. اگر درست فکر کند رنجشی برای او پیش نمی‌آید، بلکه تلاش می‌کند همسر خود را در برطرف کردن مشکل کمک نماید.

مردها نیز باید بدانند زنان در مواجهه با مشکلات به بیان احساسات خود نیازمندند. اگر احساسات خود را ابراز نکنند افسرده می‌شوند. آنان به توجه و احترام از سوی همسر احساس وابستگی می‌کنند. نیاز آنان در چنین مواقعی موعظه و امر و نهی نیست، بلکه آنان تشنه محبت و عشق هستند. حرکت به سمت پذیرش تفاوت‌ها، زن و مرد را به سوی کمال رهنمون می‌سازد.

سوزان کویلیان درباره تفاوت زن و مرد می‌گوید: وقتی همسران از تفاوت‌های همدیگر آگاهی داشته باشند، به جای اینکه از تفاوت‌ها احساس تفر کنند، به آن بها می‌دهند. همین تفاوت‌هاست که باعث سازگاری شما می‌شود. اگر زن و مرد هر دو به طور مطلق شبیه هم بودند

۴. تفاوت در نیازهای طبیعی

در طبیعت زنان نیاز به مراقبت، درک و احترام، و در طبیعت مردان نیاز به اعتماد، پذیرش و قدردانی دیده می‌شود. هرچه مردان به توجه و مراقبت از زنان بیشتر رو آورند اعتماد بیشتری را از آنان کسب می‌کنند. در حقیقت، ارضای نیاز طبیعی زن (مراقبت) باعث می‌شود که نیاز طبیعی مرد (اعتماد) تأمین شود. از سوی دیگر، اگر زن به مرد اعتماد کند و او را مدیر و مسئول زندگی مشترک بداند، مرد انرژی می‌گیرد و بیش از پیش به مراقبت از همسر خود می‌پردازد. پس ارتباط میان تأمین این نیازها دوسویه است.

اگر مردان درک بیشتری نسبت به نیازهای زنان داشته باشند و زنان احساس کنند بهتر درک شده‌اند، به همان اندازه بیشتر پذیرای مردان هستند. بی‌شک، کمک هریک از همسران به دیگری در حقیقت کمک به خودشان محسوب می‌شود و آثار مطلوب آن غیرمستقیم به خودشان برمی‌گردد. همچنین وقتی زنان حالت پذیرش مرد را تقویت می‌کنند، مردان درصدد درک بیشتر آنان برمی‌آیند. بازتاب چنین رفتاری تکامل روانی آنهاست. وقتی مرد به انتخاب همسر احترام می‌گذارد، با قدردانی و سپاس‌گزاری او مواجه می‌شود. زنان در برابر احترامی که از همسر می‌بینند، به قدردانی از او - که از نیازهای طبیعی مردان است - می‌پردازند. زنان نیز چون به احترام نیاز دارند، وقتی از همسر قدردانی می‌کنند در واقع، نیاز به احترام خود را تأمین می‌کنند.

جان‌گری می‌گوید: در صورتی که زن مورد احترام قرار نگیرد، روابط جنسی مختل می‌شود؛ زن شروع به اذیت کردن همسر می‌نماید، رفتاری سلطه‌گرانه و پر مدعا به خود می‌گیرد و احساس ناامنی و بی‌لیاقتی می‌کند. زن حتی اگر در محل کار خود مورد احترام قرار گیرد، ولی همسرش به احساس او احترام نگذارد، باز هم احساس شایستگی نمی‌کند.

آسیب‌پذیری آنان نیز به شدت شبیه یکدیگر بود. بنابراین، وقتی با مشکلات روبه‌رو می‌شدند، سعی می‌کردند از یک روش به مقابله با آن برخیزند و از پیدا کردن راه حل مشکل باز می‌ماندند. (۲۳)

آگاهی از تفاوت‌ها و توجه به آن باعث می‌شود زن و مرد نه تنها در تأمین خواسته‌های یکدیگر موفق‌تر باشند، بلکه موجب می‌گردد در تأمین خواسته‌های خود نیز به توفیق بیشتر و بهتری دست یابند. وقتی زن بداند تحریک‌پذیری مرد در برابر محرک‌های بصری بسیار بیشتر از سایر محرکات است و مرد بداند زن در برابر تحریکات لمسی حساسیت بیشتری دارد، بهتر می‌تواند خواسته‌های خود و همسرش را تأمین کند. خصلت مرد چشم‌دوانی و خصلت زن خودآرایی است. تَبَرُّج از ویژگی‌های عاطفی زن است و کمتر اتفاق افتاده است که مردان با لباس‌های بدن‌نما ظاهر شوند. (۲۴)

فطری بودن هریک از این خصلت‌ها برای زن و مرد وظیفه دیگری را روشن می‌سازد که چه بازخوردی می‌تواند هریک از زن و مرد را راضی سازد. لمبروزو روان‌شناس معروف می‌گوید: وقتی زن مرد را نسبت به خود علاقه‌مند دید، دیگر هدف اصلی او عشوه‌گری و خودنمایی در برابر دیگران نیست. چنان‌که مشاهده می‌شود زنانی که به شوهر و کودکان خود علاقه دارند، به کلی از عالم عشوه‌گری و دلبری افراطی و مذموم برکنار هستند. اگر زنی خودنمایی در برابر دیگران را پیشه خود می‌سازد به این دلیل است که پاسخ عواطف درونی خود را نزد شوهرش نیافته است. (۲۵) تعدیل خصلت خودنمایی در زن با تأمینی که مرد برقرار می‌سازد، ممکن می‌شود. خودآرایی متعادل لازمه زندگی سعادت‌مندانه، قابل احترام و برنامه‌ریزی است.

۵. تفاوت در تفکر

تفکر دارای اقسامی است که از آن جمله، می‌توان به تفکر ابتدایی، تفکر انتزاعی، تفکر حل مسئله و... اشاره کرد. به طور معمول، تفکر ابتدایی در میان زنان بیش از مردان است. خانم‌ها در بسیاری از موارد خواب‌های طولانی می‌بینند که این خود نشانی از تفکر ابتدایی است.^(۲۹)

تفکر انتزاعی که به استنباط و به دست آوردن مفاهیم از نمونه‌ها نیازمند است، گرچه در میان زن و مرد دیده می‌شود، اما در میان زنان اجزای این تفکر بسیار ریز و جزئی است و مردان در تفکر انتزاعی کل‌گرا هستند. به همین دلیل، زنان برای فکر کردن و تصمیم گرفتن به دقت بیشتری نیازمندند، در حالی که مردان به خاطر کلی‌نگری زودتر پاسخ می‌دهند و سرعت تصمیم‌گیری بیشتری دارند. در تفکر حل مسئله، که نوعی از تفکر انتزاعی است، انسان با یک دسته از معلومات به سراغ حلّ برخی از مجهولات می‌رود. مردان برای حلّ یک مسئله زمان کمتری می‌خواهند؛ چون تمرکز دارند. در نتیجه، درصد اشتباه و انحراف از استاندارد در زنان بیش از مردان است و تفکر حل مسئله زنان به کندی پیش می‌رود.^(۳۰) گرچه دامنهٔ کمی تفکر زنان پیش از مردان است، اما مسائل پیچیده و دقیق را نباید به آنان واگذار کرد؛ چراکه رأی آنان در پیچیدگی‌ها از ضمانت صحت بالایی برخوردار نیست. حضرت علی علیه السلام در زمینهٔ این تفاوت می‌فرماید: «از مشورت با زنان بپرهیزید؛ چراکه رأی آنان زود سست می‌شود و تصمیم آنان ناپایدار است.»^(۳۱) عامل ناپایداری در تصمیم‌گیری زنان، افزون بر غلبه احساسات و عواطف، دید گسترده، باز و سطحی آنهاست.

به همین دلیل، قرآن کریم در مسائلی که پیچیدگی خاصی ندارد و زنان در اظهارنظر سهمی دارند، به مردان توصیه کرده است که کار را با مشورت زنان انجام دهند:

حسّ محترم و محبوب واقع شدن در طبیعت زنان است و توجه دین اسلام به محبت نسبت به زنان برای برآورده ساختن نیاز شدید زن به محبت است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «محبت نسبت به زنان از اخلاق پیامبران است.»^(۲۶)

در سیرهٔ عملی حضرت علی علیه السلام نیز درک نیاز زنان به همدردی دیده می‌شود. حضرت با ابراز ناراحتی از سختی‌هایی که همسرش در زندگی متحمل می‌شود، به او پیشنهاد می‌کند تا با پدر بزرگوارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صحبت کند و تقاضای خدمتکار کند. حضرت زهرا علیها السلام نیز چنین می‌کند و پیامبر صلی الله علیه و آله خود به دخت گرامی‌اش تسبیحاتی تعلیم می‌دهد که به «تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام» معروف است. ابراز همدردی حضرت علی علیه السلام تحمل بسیاری از سختی‌ها را برای فاطمه علیها السلام آسان نمود. پوریس آنکو می‌گوید: زن باید نیازها و احساساتش را به همسرش بشناساند؛ چون مرد قادر به خواندن زن نیست. با بیان احساسات، همسران اطمینان خاطر پیدا می‌کنند و وحشت طرد شدن را کنار می‌گذارند.^(۲۷) بنابراین، توجه به تفاوتی که زن‌ها در نیازمندی نسبت به مردها دارند و تلاش برای تأمین آن، می‌تواند عاملی مهم برای سازگاری تلقی شود.

جزئی‌نگری از ویژگی‌های زنان و کلی‌نگری از ویژگی‌های مردان است. جان‌گری می‌گوید: زنان دید و حواسی باز و مردان دید و حواسی متمرکز دارند.^(۲۸) مردی که توجه داشته باشد همسر او به طور طبیعی در جست‌وجویی باز و گسترده گام می‌نهد، سؤال‌های فراوان زن او را کلافه نمی‌کند و زنی که بدانند مرد بر کلیات متمرکز می‌شود، توضیح ندادن بسیاری از موارد در ابعاد مختلف زندگی را چندان دور از انتظار نمی‌بیند و زمینه‌های سازگاری بیشتر فراهم می‌شود.

«وقتی پدر و مادر می‌خواهند بچه را از شیر خوردن بازگیرند، چنانچه با رضایت و مشورت باشد، بی‌اشکال است.» (بقره: ۲۳۳)

همچنین در مواردی خاص که زنان از پختگی و تجربه خوب برخوردارند، می‌توان با زنان مشورت کرد؛ چراکه نهی از مشورت عمومی و غالبی است و می‌توان برای آن مواردی استثنایی پیدا کرد. پس در مواردی که به تصمیم‌گیری در کارهای مهم رو می‌آوریم، نباید تصمیمات پایدار و رأیی قوی را از زنان انتظار داشته باشیم.

میان شما مودت و رحمت قرار داد.» (روم: ۲۱) تفاوت‌های مکمل سبب کشش خاصی میان همسران است و این کشش احساس مرموزی به نام «عشق» را به وجود می‌آورد که خانواده را به زیباترین جلوه هستی تبدیل می‌کند. ویکتور هوگو می‌گوید: خوشبخت کسی است که خداوند دلی به او بخشیده که شایسته عشق، سوز و گداز است. (۳۴)

عشق واقعی در سایه پذیرش تفاوت‌ها میسر است. کسی که بیش از حد معمول تهاجمی است، به طور طبیعی جذب کسی می‌شود که خونسرد و ملایم است و در اثر این معاشرت، فرد تهاجمی کمی خونسردتر و ملایم‌تر می‌شود.

کارکرد پذیرش تفاوت‌ها و نقش آن در زندگی

مشترک

کارکردها آثار و نتایجی است که به دنبال رفتار یا حالتی پدید می‌آید و مورد انتظار جامعه است و از آن‌رو که جامعه همانند یک صحنه بازیگری و تئاتر است، نقش همان رل اجتماعی است که فرد در این صحنه از خود به نمایش می‌گذارد. (۳۲) توجه به تفاوت‌ها و پذیرش آن تأثیر فراوانی در آرامش زندگی مشترک دارد. در ذیل، به برخی از این تفاوت‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. عشق و محبت

تفاوت‌ها در ایجاد رابطه محبت‌آمیز و عاشقانه میان همسران نقش بسیار مؤثری ایفا می‌کند. جان‌گری می‌گوید: پذیرش این واقعیت اساسی که زن و مرد با هم تفاوت دارند، برای ایجاد روابط مثبت و عاشقانه میان همسران ضروری است. باید زن و مرد یاد بگیرند به تفاوت‌های یکدیگر احترام بگذارند تا نسبت به هم احساس نزدیکی و صمیمیت بیشتر نمایند. (۳۳) قرآن کریم می‌فرماید: «از نشانه‌های الهی این است که خداوند از خودتان همسرانی خلق کرد تا در کنارشان آرام گیرید و

۲. قضاوت عادلانه

یکی از عوامل مهم در پیدایش و ثبات روابط مناسب میان همسران قضاوت عادلانه است. برای اینکه زن و مرد به مراحل بالای کمال و رشد برسند، باید بدون هرگونه تنگ‌نظری و خودبینی و فارغ از هر نوع سوگیری، درباره یکدیگر قضاوتی عادلانه داشته باشند و این نتیجه در سایه پذیرش تفاوت‌ها میسر است.

علت اصلی قضاوت‌های منفی نپذیرفتن و درک نکردن تفاوت‌هاست. شناخت تفاوت‌ها میان همسران این امکان را برای آنها فراهم می‌کند که بتوانند آزادانه درباره یکدیگر قضاوت کنند. (۳۵)

انسان‌ها برخی عقل‌گرا، برخی حس‌گرا و بعضی عمل‌گرا هستند. هر گروهی برای تعامل اجتماعی با سایر گروه‌ها باید آنها را پذیرفته باشد و با توجه به تفاوت‌هایشان برای آنها احترام قایل باشد و ضرورت وجود آنها را احساس کند. در غیر این صورت، هرگز یک انسان تحلیل‌گرا نخواهد توانست با یک شخص حس‌گرا رابطه دوستانه و نزدیک داشته باشد؛ زیرا او نسبت به چنین فردی قضاوت منفی دارد و نمی‌تواند او را بپذیرد.

حضرت علی علیه السلام نشاط و شادمانی در زندگی خود با حضرت فاطمه علیها السلام را در سایه پذیرش تفاوت‌ها چنین بیان می‌کند: «ما همانند دو کبوتر در یک آشیانه بودیم که از نشاط، سلامتی و جوانی برخوردار بودیم.» (۳۸)

مردان با پذیرش حالت‌های زنانه و احترام به آن، برای زنان دوست‌داشتنی‌تر می‌شوند و زن احساس می‌کند همسرش او را به خاطر خودش دوست دارد. شوهر او را پذیرفته است و داری‌های او و برایش مطلوب است و او را به خاطر رسیدگی به امور منزل یا نگهداری فرزندان و امثال آن نمی‌خواهد. این احساس باعث نشاط و شادمانی زن می‌شود. زنان نیز وقتی شوهران خود را به عنوان کسانی که بر تدبیر و اداره زندگی مشترک متمرکز شده و زمینه بروز بسیاری از ناکامی‌ها را حذف کرده‌اند، می‌پذیرند، مردان از این پذیرش احساس نشاط می‌کنند. در همین زمینه، جان‌گری می‌گوید: اگر فقط تفاوت‌ها را می‌دانستیم و به آنها احترام می‌گذاشتیم بسیاری از مسائل و مشکلات ما حل می‌شد. (۳۹)

زن چنانچه بپذیرد با توجه به تفاوت‌ها میان خود و همسرش باید خواسته خود را بدون آزرده‌گی مرد از او طلب کند و مرد بپذیرد زن با نهایت توان از خودش مایه می‌گذارد و فقط با توجه به تفاوت در توانایی و خصلت‌های او می‌تواند از او انتظاراتی داشته باشد، بسیاری از اختلاف‌ها حل می‌شود. ما برای حل مشکلات در درجه اول باید خودمان تغییر کنیم؛ یعنی نگاهمان تغییر کند. در این صورت، تفاوت میان خود و همسرمان را مثبت خواهیم دید. بسیاری از نزاع‌های خانوادگی ناشی از انتظارات بی‌جا و در نظر نگرفتن تفاوت‌هاست. برای مثال، زمانی که مرد به تفاوت‌های میان خود و همسرش توجه نداشته باشد، در موقعیت‌های گوناگون برخوردهایی مثل سکوت، درون‌نگری و توجه به منافع را

پس پذیرش تفاوت‌ها، از پیدایش قضاوت‌های ناعادلانه جلوگیری می‌کند.

گاهی علت اختلال در روابط و پیدایش قضاوت‌های ناعادلانه از سوی زنان نسبت به مردان ناشی از تحمیل عقیده فمینیستی است. شعار «برابری زن و مرد» و نپذیرفتن تفاوت‌ها باعث می‌شود قضاوت منفی حاصل شود. انتظارات برخاسته از فقدان تفاوت میان زن و مرد باعث می‌شود از مردها با تعبیری همچون «دشمن» و «متجاوز» یاد شود، غافل از اینکه با این تصویر گاهی از زنان نیز با تعبیری همچون «عقب‌مانده» و «بی‌عرضه» یاد می‌شود که هر دو رویکرد نتیجه بی‌توجهی به تفاوت‌هاست. زن و شوهر در زندگی مشترک باید زمینه‌های قضاوت منفی را بسوزانند. حتی در جایی که از ارزش‌ها دفاع می‌کنند، نباید زمینه قضاوت منفی را فراهم سازند. برای مثال، غیرت در میان مردان امری پسندیده است که می‌تواند امنیت را برای زندگی به ارمغان آورد. همین امر چنانچه در جایگاه خودش ظهور پیدا نکند باعث قضاوت منفی همسر می‌شود. حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای به فرزندش امام مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «از نشان دادن غیرت بی‌جا بپرهیز؛ چون که سالم را بیمار و پاک‌دامن را به بدگمانی می‌کشاند. این کار، زن شایسته را از شایستگی دور می‌سازد.» (۳۶)

۳. شادی و نشاط

یکی از آثار پذیرش تفاوت‌ها، احترام همسران به یکدیگر و ایجاد شور و هیجان در زندگی مشترک است. هنگامی که زنان و مردان خیلی شبیه یکدیگر می‌شوند، جاذبه مرموز میان خودشان را از دست می‌دهند، تا جایی که گفته می‌شود: زندگی کردن با کسی که مثل خودمان است، خسته‌کننده است. (۳۷)

از همسر انتظار دارد، در حالی که این نوع برخورد از مختصات مردان است و زنان چه در وضعیت شادی و چه در موقعیت غم، هرگز به سکوت تمایل ندارند. پذیرش تفاوت‌ها میان زن و مرد همسران را از قرار گرفتن در چنین وضعیت‌های نابسامانی باز می‌دارد.

۴. تعادل

اصل تعادل یکی از عوامل تأثیرگذار بر تنظیم زندگی مشترک به سوی رشد و تعالی است. خروج از تعادل، یعنی افراط و تفریط، هر دو انحراف و خروج از راه صحیح است. بسیاری از اختلالات روانی در جامعه بشری به رعایت نکردن تعادل در زندگی مربوط است. مردان برای تعادل باید در کنار زنان قرار گیرند و خود را متعادل سازند. همچنین زنان نیز برای ایجاد تعادل در وجود خود به مردان نیازمندند. ترکیب نیروی زنانه و مردانه باعث به وجود آمدن کمال می‌شود. مرد در حالت مردانه می‌تواند مغرور، خودمحور و خودخواه به نظر آید و به نیازمندی‌های دیگران توجه نداشته باشد، اما زن در حالت زنانه بیش از حد به فکر دیگران به نظر می‌آید و خود را فراموش می‌کند و به دیگران می‌اندیشد.

تنها راه گریز از انحراف افراط و تفریط، رسیدن به تعادل است. جذب کیفیت روانی مردانه به سوی کیفیت‌های زنانه بستری برای ایجاد تعادل است. مردان با خصلت مردانه خود زمینه تکمیل بخش توسعه‌نیافته زنان، و زنان با خصلت زنانه خود باعث تکمیل بخش توسعه‌نیافته مردان می‌شوند. سردی مرد با گرمی زن، تهاجمی بودن با همسازی، قاطعیت با انتقادپذیری و قدرت با عشق او متوازن می‌شود. برای مثال، مردان درون‌گرا هستند و به سکوت گرایش بیشتری دارند. حضور یک زن در زندگی مشترک، که دارای دید

گسترده‌ای است و به سخن گفتن گرایش دارد، مرد را از حالت سکوت خارج می‌کند و به سکوت او تعادل می‌بخشد. همچنین زنان که بر اثر دید گسترده خود، سطحی‌گرا هستند و نمی‌توانند تمرکز کنند، با حضور یک مرد در زندگی مشترک، که متمرکز می‌بیند، در سطحی‌گرایی تعدیل می‌شوند. حضرت علی علیه السلام فقدان تعادل را نشانه جهل می‌دانند و ضمن برحذر داشتن شیعیان از افراط و تفریط، می‌فرمایند: «لاتری الجاهل الا مفرطاً او مفرطاً»؛^(۴۰) جاهل را نمی‌یابی، جز آنکه یا اهل افراط یا اهل تفریط است. بنابراین، برای دوری از فساد و جهل و روی آوردن به سازگاری، باید به تفاوت‌های زن و مرد به دقت بیندیشیم و آن را بپذیریم.

نتیجه‌گیری

در میان زن و مرد تفاوت‌هایی وجود دارد که شناسایی آنها در نقش و کارکرد هریک تأثیر می‌گذارد. گاهی ممکن است یک ویژگی برای یکی مثبت و برای دیگری منفی باشد. ابعاد مختلف این تفاوت‌ها را می‌توان در زمینه مسائل فیزیکی، عاطفی، جنسی، طبیعی و فکری مطالعه کرد و تفاوت‌ها را شناسایی نمود. آشنایی با تفاوت‌ها برای سازگاری، نشاط، سلامت و آرامش در زندگی بشری کارکردهایی دارد. این کارکردها را می‌توان در عشق و محبت اعضای خانواده نسبت به یکدیگر، فضای صمیمی حاکم بر زندگی زناشویی، قضاوت عادلانه افراد نسبت به خود و دیگران، تعادل در رفتار، شادی و نشاط جست‌وجو کرد. حاصل این آشنایی، درک متقابل میان اعضای خانواده، انتظارات به‌جا و واقع‌بینانه، بهره‌مندی از آزادی قانونمند و حرکت تکاملی خانواده به سمت مقصدی اعلام‌شده که برای همه اعضای خانواده قابل وصول است.

- ۳۳- جان‌گری، همان، ص ۱۲ و ۵۴.
- ۳۴- سیدیچی برقی، چکیده اندیشه‌ها، ج ۱، ص ۲۵۰.
- ۳۵- جان‌گری، همان، ص ۱۴.
- ۳۶- نهج البلاغه، نامه ۳۱.
- ۳۷- جان‌گری، همان، ص ۸۴.
- ۳۸- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۴۳، ص ۱۱۷.
- ۳۹- جان‌گری، همان، ص ۴۴.
- ۴۰- نهج البلاغه، حکمت ۷۰.
- منابع**
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، تهران صحفی، ۱۳۷۹.
- آریان‌پور، عباس، زمینه روان‌شناسی، تهران، جیبی، ۱۳۶۴.
- افلاطون، جمهوریت، ترجمه فؤاد روحانی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
- برقی، سیدیچی، چکیده اندیشه‌ها، قم، کتب، ۱۳۶۷.
- بوریس آنکو، جون، جلوه‌های زندگی یک زن، ترجمه منیژه بهزاد، تهران، توتیا، ۱۳۷۸.
- حرّ عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ق.
- زیبایی‌نژاد، محمد رضا و...، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، قم، دارالتقلین، ۱۳۷۹.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر، روان‌شناسی رشد بزرگسالان در فراخوانی زندگی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵.
- کارل، الکسیس، انسان موجودی ناشناخته، ترجمه پرویز دبیری، اصفهان، قائم، ۱۳۵۴.
- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- کوبیلیام، سوزان، در پناه یکدیگر، ترجمه فرشته صالحی، تهران، نسل نواندیش، ۱۳۷۸.
- گری، جان، زن، مرد، ارتباط، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، مشهد، راهیان سبز، ۱۳۸۱.
- لمبروزو، جینا، روان‌شناسی زن، ترجمه پری حسام شهرتیس، تهران، دانش، ۱۳۶۹.
- لمبروزو، جینا، روح زن، ترجمه پری حسام شهرتیس، تهران، دانش، ۱۳۸۰.
- مجد، محمد، روان‌شناسی زن و مرد، تهران، نسل نواندیش، ۱۳۷۸.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، قم، صدرا، ۱۳۶۸.
- نوابی‌نژاد، شکوه، مشاوره ازدواج و خانواده درمانی، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۹.
- هاشمی رکاوندی، سیدمجتبی، روان‌شناسی زن، قم، شفق، ۱۳۷۰.
- پی‌نوشت‌ها**
- ۱- شکوه نوابی‌نژاد، مشاوره ازدواج و خانواده درمانی، ص ۱۴.
- ۲- افلاطون، جمهوریت، ترجمه فؤاد روحانی، ص ۱۳۸.
- ۳- مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۷۰.
- ۴- شکوه نوابی‌نژاد، همان، ص ۱۶؛ محمدرضا زیبایی‌نژاد و...، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، ص ۲۹.
- ۵- محمدرضا احمدی، «تفاوت زن و مرد از منظر روان‌شناسی و متون دینی»، معرفت، ش ۹۷، آبان ۱۳۸۴.
- ۶- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، حکمت ۲۳۴.
- ۷- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۴.
- ۸- جوزف پرز، مشاوره، ترجمه ابراهیم ثنائی، ص ۹۴.
- ۹- الکسیس کارل، انسان موجودی ناشناخته، ترجمه پرویز دبیری، ص ۱۰۰.
- ۱۰- محمد مجد، روان‌شناسی زن و مرد، ص ۴۵.
- ۱۱- محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۳۵.
- ۱۲- علی‌اکبر شعاری‌نژاد، روان‌شناسی رشد بزرگسالان در فراخوانی زندگی، ص ۲۵.
- ۱۳- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۵، ص ۳۳.
- ۱۴- محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۶۹.
- ۱۵- جان‌گری، زن، مرد، ارتباط، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، ص ۱۹۰.
- ۱۶- محمدبن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۱۹.
- ۱۷- آنکو جون بوریس، جلوه‌های زندگی یک زن، ترجمه منیژه بهزاد، ص ۱۶۰.
- ۱۸- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۲۰، ص ۱۵۸.
- ۱۹- جینا لمبروزو، روان‌شناسی زن، ترجمه پری حسام شهرتیس، ص ۸۵.
- ۲۰- نهج البلاغه، نامه ۳۱.
- ۲۱- جان‌گری، همان، ص ۲۴.
- ۲۲- محمد مجد، همان، ص ۱۱۸.
- ۲۳- سوزان کوبیلیام، در پناه یکدیگر، ترجمه فرشته صالحی، ص ۲۰۱.
- ۲۴- سیدمجتبی هاشمی رکاوندی، روان‌شناسی زن، ص ۲۲۲.
- ۲۵- جینا لمبروزو، روح زن، ترجمه پری حسام شهرتیس، ج ۱، ص ۴۸.
- ۲۶- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۴، ص ۹.
- ۲۷- جون پوریس آنکو، جلوه‌های زندگی یک زن، ترجمه منیژه بهزاد، ص ۱۷۱.
- ۲۸- جان‌گری، همان، ص ۴۹.
- ۲۹- محمد مجد، همان، ص ۷۸.
- ۳۰- همان.
- ۳۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱.
- ۳۲- عباس آریان‌پور، زمینه روان‌شناسی، ص ۲۵.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی